



دنیا دوستی، اساس گرفتاری های بشر

آقای بنی صدر هم شَمّ سیاسی نداشت. من الآن هم نصیحت می کنم آقای بنی صدر را به این که نبادا در دام این گرگ هایی که در خارج کشور نشستند و کمین کردند بیفتید، و این آبرویی که از دست دادید، بدتر بشود. من علاقه دارم که تو بیش تر از این خودت را تباه نکنی. من علاقه دارم که همه اشخاصی که در این مملکت زندگی می کنند يك زندگی انسانی - الهی باشد... اگر نصیحت های من را گوش کرده بودی، این مسائل پیش نمی آمد. لکن نگذاشتند؛ آن هایی که به تو اظهار علاقه می کردند، آن ها به اسلام علاقه نداشتند... چنان چه توبه کنی و برگردی و علاقه خودت را از این گروه های مفسد، فاسد، جنایتکار، سلب کنی، و در يك کناری بنشینی مشغول تصنیف و تألیف بشوی، صلاح تو است. اگر شما آن نصیحتی را که آن روز من با حال بیماری در بیمارستان به شما کردم گوش کرده بودید، امروز این طور نبود و من نمی خواستم باشد؛ آن روز من [در] یکی از حرف ها، که اساس همه گرفتاری های بشر است، تنبه دادم که حُبُّ الدُّنْیا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ.

